



ISSN:2588-7033



Role of Seljuk Emirs in the Continuation of the Succession Wars Between Sultan Berkyaruq and Prince Muhammad Based on the Theory of Rational Choice

Jamileh Yousefi ^{a*}

^a Assistant Professor, Department of History, Farhangian University, P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran

KEYWORDS

Seljuq Emirs, succession crisis, rational actor, self-interest

Received: 25 August 2024;

Accepted: 04 January 2025

Article type: Research Paper

DOI:10.22034/hsow.2025.2039548.1565

ABSTRACT

Rational choice is a simple and widely used model in explaining human behavior that has been used in this research to examine the performance of the Seljuk Emirs in the wars of succession that occurred between the sons of Sultan Malek-Shah. Understanding the dominant role of these emirs in creating political crises is possible by considering them as rational decision-makers. The Seljuk Emirs were purposeful actors who, by seeking independence in the government of their provinces, gradually gained the necessary potential to intervene in political affairs. This research, using a descriptive-analytical method, aimed to answer the question the role of the Seljuk Emirs' self-interest in the continuation of the wars of succession between Sultan Berkyaruq and Prince Muhammad. The self-interest of emirs led to the dominance of instrumental rationality over their value rationality, and this affected the collective (game theory) and individual decision-making of the emirs in the confrontation between the two brothers— Berkyaruq and Muhammad—the war strategies, and its results. These greedy behaviors led to the continuation of succession crises in the form of five wars.

* Corresponding author.

E-mail address: j.yousefi@cfu.ac.ir

©Author





بررسی و تحلیل نقش امیران سلجوقی در تداوم جنگ‌های جانشینی (میان سلطان برکیارق و ملک محمد) براساس نظریه انتخاب عقلانی

جمیله یوسفی^{الف}*

^{الف} استادیار گروه آموزشی تاریخ، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵، تهران، ایران، j.yousefi@cfu.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
امیران سلجوقی، بحران جانشینی، بازیزگر عقلایی، منفعت‌طلبی	«انتخاب عقلانی»، مدلی ساده و پرکاربرد در تبیین رفتار آدمی است که در این پژوهش برای بررسی عملکرد امیران سلجوقی در جنگ‌های جانشینی که میان فرزندان سلطان ملک‌شاه روی داد، به کار رفته است. فهم نقش مسلط این امیران در بحران آفرینی سیاسی با تلقی آن‌ها به عنوان تصمیم‌گیرندگان عاقل امکان‌پذیر می‌گردد. امیران سلجوقی، کنشگران هدف‌مندی بودند که با استقلال‌طلبی در حکومت ولایات خویش، به مرور پتانسیل لازم را برای دخالت در امور سیاسی به دست آوردند. این پژوهش، با به کارگیری روش توصیفی-تحلیلی در پی آزمون این پرسش است که نقش منفعت‌طلبی امیران سلجوقی در تداوم جنگ‌های جانشینی میان سلطان برکیارق و ملک محمد چه بود؟ نفع‌طلبی امیران، موجب چیرگی عقلانیت ابزاری بر عقلانیت ارزشی آن‌ها گردید و این امر، بر تصمیم‌گیری جمعی (مدل بازی) و فردی این امیران در تقابل جبهه دو برادر-سلطان برکیارق و ملک محمد- راهبردهای جنگ و نتایج آن تأثیر گذاشت. این رفتارهای بیش خواهانه، تداوم بحران‌های جانشینی را به صورت جنگ‌های پنج‌گانه به دنبال داشت.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵ مقاله علمی پژوهشی	

مقدمه

در جامعه سلجوقی پای‌بندی به آداب و رسوم «دشت» و اطاعت از رهبران خویش، مهمترین هنجار و ارزش قبیله‌ای به‌شمار می‌رفت که بر نظام سیاسی ابتدایی سلجوقیان، واگذاری حکومت ولایات به اعضای خاندان، تأثیر داشت. قدرت‌طلبی برخی سران طوایف، برخورداری از خوری نظامی‌گری و صحراگردی، عادت همیشگی به غارت و چپاول و مقابله با زندگی یک‌جانشینی، مانع از تمرکز حکومت نوپای سلجوقی می‌گردید. شورش اعضای خانواده همچون ابراهیم پینال در دوره طغرل، شورش قاورود و قتلش در دوره آلب‌ارسلان و شورش ایاز، قاورود و تکش در دوره ملک‌شاه از مهمترین عوامل پیدایش بحران در نیمه آغازین این حکومت بود. شورش مکرر آن‌ها با مجازات‌هایی چون مرگ و نابینایی ایشان را از گردونه رقابت حذف می‌کرد و چنین عارضه‌ای، تشکیل سپاهی از غلامان را ضروری می‌نمود (نظام‌الملک، ۱۳۷۱: ۱۲۲).

پایگاه غلامی و منزلت فرودست اجتماعی امیران، سبب وفاداری و وابستگی آن‌ها به حکومت می‌شد. خواجه با گماشتن جاسوسان، رفتارهای سیاسی آن‌ها را محدود و محصور می‌کرد. خواجه، با جابجایی امیران هر دو سه سال یک بار، به نوا گرفتن

* نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیک: j.yousefi@cfu.ac.ir

(گروگان) فرزندان و استرداد اقطاعشان، از دست‌درازی‌های آن‌ها ممانعت می‌کرد (همان: ۴۷). مرگ خواجه، موجب فروپاشی نظام دیوانی، و اعتلای قدرت روزافزون امیران شد. فضای سیاسی برای تصمیم‌گیری‌های مختارانه امیران باز شد. نقش امیران تغییر کرد و دامنه این تغییرپذیری، نخستین سرچشمه اختیار عمل آن‌ها گردید. هر یک از امیران برحسب جسارت خطرپذیری، داعیه‌ها و اطلاعاتشان، قدرت گرفتند و جنگ‌های جانشینی محمد و برکیارق، زمینه‌ساز فرصت‌طلبی‌های آن‌ها شد. مقاله در پی پاسخ به این پرسش است:

منفعت‌طلبی امیران سلجوقی چه نقشی در تداوم جنگ‌های جانشینی میان برکیارق و محمد داشت؟

تمایلات بیش‌خواهانه امیران سلجوقی با تغییر رفتار سیاسی آن‌ها و گسترش سلطه بر ولایات، موجب دامن زدن به بحران‌های جانشینی و شکل‌گیری جنگ‌های پنج‌گانه میان برکیارق و محمد گردید.

بررسی نظریه انتخاب عقلانی در مباحث سیاسی تاریخ میانه ایران از آن جایی مهم است که این دوره، میراث‌دار تاریخ باستان است و از طرفی بسیاری از پدیده‌های تاریخ معاصر، ریشه در واقعیت‌های این دوره دارد. برخی بر این باورند؛ این نظریه را نمی‌توان با حوادث تاریخی گذشته انطباق داد، اما اندیشمندانی چون لیتل (Little)، کاربرد آن را در جوامع سنتی ممکن شمرده‌اند (لیتل، ۱۳۷۳: ۲۳۶). عقلانیت را می‌توان به‌طور عمده به دو نوع؛ عقلانیت «ابزاری» و «ارزشی» دسته‌بندی کرد. برخی صاحب‌نظران ساختاری، عقلانیت «ابزاری» و توجه صرف به منافع را سرلوحه عملکرد فاعلان عقلانی می‌دانند. این مطلب در دیدگاه پس‌اساختاری مورد نقد قرار می‌گیرد. بنابر عقیده سن «انسان اقتصادی صرف، هالوی اجتماعی بیش نیست» (Sen, 1982: 99). وبر نیز «عقلانیت ابزاری» را، موجب کنار نهادن و متروک ماندن ارزش‌ها و هنجارهایی می‌داند که در عملکرد فرد، نقش اساسی و ساختاری دارند (وبر، ۱۳۷۴: ۲۴)، البته تکیه بر «عقلانیت ارزشی» صرف، قاعده قاطعی را برای توصیف رفتار افراد ارائه نمی‌دهد و در بسیاری موارد، نمی‌توان انگیزه‌ها و عوامل ذهنی و درونی موثر بر رفتار آدمی را اندازه‌گیری نمود. ردپای عقلانیت ارزشی در جنبش‌ها و انقلاب‌ها قابل پی‌گیری است، چرا که عاملان آن از جان‌بازی و فداکاری در راه نیل به آرمان‌هایی چون عدالت، آزادی و شجاعت رویگردان نبودند، اما عاملان جنگ‌ها، شورش‌ها، آشوب‌ها و غارت‌ها، به دنبال منافع مادی و آنی بودند. کمی اسناد تاریخی و پرداختن آن‌ها به حوادث و تحولات سیاسی و شکست‌ها و پیروزی‌های گذشته، آگاهی ما را از میزان و نحوه پابندی بازیگران به ارزش‌ها و هنجارها کاهش داده است، اما مبرهن است که کسب منافع مادی و قدرت همواره سرلوحه رفتار و اعمال فاعلان سیاسی تاریخ بوده است و باید سیاست‌مداران را فرصت‌طلبان بی‌پایان شمرد، پس عقلانیت ابزاری بیش از همه می‌تواند به توضیح عملکرد آن‌ها کمک می‌کند. اقدام نظامیان در زیر پا گذاشتن هنجار وفاداری به حکومت برای کسب قدرت سیاسی و اقتصادی، نه تنها در گذشته بلکه امروزه نیز می‌تواند حکومت را غرق در بحران کند. این مقاله با شیوه توصیفی - تحلیلی به واکاوی نظریه انتخاب عقلانی در تبیین رفتار سیاسی امیران سلجوقی پرداخته است. در باب تطبیق انتخاب عقلانی با وقایع تاریخی، مقاله مستقلی نوشته نشده و نگارنده بر اساس آگاهی‌هایی که به خصوص از منابع زیر به دست آمد، به بومی‌سازی آن در عملکرد امیران دوره سلجوقی پرداخت. مقاله «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی» از محمدرضا جوادی یگانه که به توصیف و تفسیر نظریه‌های انتخاب عقلانی از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف پرداخته است. کتاب «تبیین در علوم اجتماعی» از دانیل لیتل در مبحث نظریه‌های انتخاب عقلانی به طور مفصل به بحث تصمیم‌گیری فردی و توصیف استراتژی بازی‌ها پرداخته است و «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل» از جیمز دوئرتی نیز به طور ویژه به بحث در نظریه بازی‌ها و توضیح جدولهای آن به صورت ماتریس پرداخته است. اطلاعات این منابع به عنوان الگو مورد استفاده مقاله قرار گرفت.

چارچوب مفهومی

«انتخاب عقلانی» از جمله پرکاربردترین الگوهای حوزه اقتصاد خرد است. در سیاست همچون اقتصاد، همیشه رقابت برای منابع کمیاب وجود دارد، این امر برخی اندیشمندان را بر آن داشته است تا نظریه انتخاب عقلانی را در تبیین علل رفتار آدمی در حوزه‌هایی چون علوم سیاسی به کار بندند. جذابیت این مدل، نخستین بار به وسیله جیمز کلمن (James Kelman) مطرح شد که معتقد بود، کاربرد عقلانیت در برخی موقعیت‌ها جز حوزه اقتصاد، ضروری است (کلمن، ۱۳۷۷: ۳۲). جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم سیاسی به این ایده روی آوردند که همه کنش‌ها، اساساً ماهیت عقلانی دارند و افراد قبل از تصمیم‌گیری برای هر امری، هزینه‌ها و منافع احتمالی آن را محاسبه می‌کنند (Scott, 2000) و به مرور این نظریه را به مکتب فکری غالب علوم سیاسی در اواخر قرن بیستم تبدیل نمودند (Abel & Kuper, 2003: 213).

اصطلاح انتخاب عقلانی از این ناشی می‌شود که کنش انسان‌های عقلانی مبتنی بر شناختی است که تحت شرایط خاص جهت دستیابی به اهداف خود به دست می‌آورند و به این منظور پیوسته از ابزار مختلف جهت سنجش اهداف خود و انتخاب بهترین میان آن‌ها بهره می‌گیرند (Collins, 1997: 352; Wallace & Wolf, 1999: 294). نظریه عقلانیت به طور عمده به دو شاخه تصمیم‌گیری فردی و جمعی تقسیم می‌شود. در نظریه تصمیم‌گیری فردی، فرد فقط در مورد خود و رفاهش نگران است و طوری عمل می‌کند که گویی هزینه‌ها را در مقابل منافع خود، متعادل می‌کند تا مزیت شخصی خود را به حداکثر برساند (Friedman, 1953). در نظریه تصمیم‌گیری جمعی (بازی‌ها)، افراد در حالی که استراتژی رفتار خود را تعیین می‌کنند، باید رفتار دیگران را هم پیش‌بینی کنند. بهترین تصمیم، تنها با دانستن تصمیم حریف گرفته می‌شود. نظریه بازی‌ها، یک نظریه تصمیم‌گیری و مورد استفاده بازیگرانی است که با انتخاب خود، پتانسیل تاثیرگذاری بر بازیگران دیگر را دارند (Turocy and Stengel, 2001) و رشته‌ای است که فرآیند به اشتراک‌گذاری بسیاری از تصمیم‌ها را در محیطی بررسی می‌کند که منابع کمیاب است (Uçan & Aytekin; 2013) مطالعه آنتوان کورنو (Antoine Cournot) در سال ۱۸۳۸م. یکی از اولین مطالعات شناخته شده در مورد نظریه بازی‌ها بود. در سال ۱۹۵۰م. جان نش (John Nash) بیان کرد که بازی‌های محدود همیشه یک نقطه تعادل دارند و با مشاهده گزینه‌های رقبا به عنوان بهترین نتایج عمل خواهند کرد. نظریه بازی‌ها بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰م. تبدیل به نظریه‌ای شد که در جنگ و سیاست به کار رفت (Gungor & Tomris Kucun, 2019). (Turocy and Stengel, 2001: 25) مهمترین نمونه کاربردی نظریه بازی‌ها، دوراهی زندان است که آلبرت دلبیو تاکر (Albert W. Tucker) در سال ۱۹۳۸م. مطرح نمود (Gungor & Tomris Kucun: 26).

در جامعه دوره سلجوقی پای‌بندی به اطاعت از رهبران قبیله‌ای و وفاداری به ساختار حکومت را می‌توان مهمترین هنجار و ارزش عیان سیاسی این دوره دانست که با منفعت‌طلبی امیران رها می‌شود و انتخاب آن‌ها را به سوی عقلانیت ابزاری می‌کشاند. از آنجایی که امیران سلجوقی، غلامان زرخرید بودند با پیدایش جنگ‌های جانشینی میان محمد و برکیارق در ابتدای امر از فرصت استقلال‌طلبی به صورت جمعی بهره بردند و در ادامه راه با غصب ولایات اقطاعی و کسب قدرت بیشتر توانستند به طور عمده، انفرادی و با تصمیم‌گیری فردی، به کسب منافع بپردازند.

۱. تاثیر عقلانیت امیران سلجوقی بر قدرت‌گیری و سودجویی آن‌ها

قدرت با سلطه و اعمال آن پیوند می‌یابد و از مصادیق عقلانیت ابزاری است. گیدنز قدرت را توانایی افراد یا اعضای یک گروه برای دست‌یابی به اهداف یا پیشبرد منافع خود می‌داند و میزان توانایی یک فرد یا گروه در کسب قدرت را با توانایی آن‌ها برای پیشبرد خواست خویش به زیان دیگران یکی می‌شمرد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۷۷). قدرت سلطان سلجوقی، هزینه بالقوه‌ای بود که او جهت کسب مشروعیت می‌پرداخت و وابستگی زیردستان به او، هزینه بالقوه‌ای بود که آن‌ها در این رابطه پذیرا می‌شدند. هرچه سلطان قدرتمندتر و هیبت او بیشتر بود، میزان اطاعت‌پذیری از او افزون‌تر می‌گردید. غلامان، ابزار نظامی دستگاه سلطان بودند که با داشتن لیاقت و شایستگی می‌توانستند به بالاترین مناصب و مقامات چون امارت دست یابند. قدرت نظارتی دیوان با اعمال مجازات و یا دادن پاداش می‌توانست بیش از هر چیز تضمین‌کننده تمکین و فرمانبرداری آن‌ها به حکومت باشد، اما هسته غلامی، منزلت نازل اجتماعی و بیگانگی قومیتی امیران، منافع آن‌ها را در تراحم با حکومت قرار می‌داد. بنابر گرث و میلز (Gerth & Milles) فرصت‌طلبان در ظاهر خود را با موازین تطبیق می‌دهند، اما در خلوت به دنبال طفره رفتن از آن هستند (گرث و میلز، ۱۳۸۰: ۲۸۶). این همان رویکرد واقعی رفتار امیران بود که با تضعیف سلطان، به زودی زمینه سودجویی آن‌ها را در کسب قدرت سیاسی و اقتصادی فراهم کرد. عدم تعیین جانشین بعد از ملک‌شاه، ابتدا، جنگ قدرتی را میان فرزندان او برکیارق و محمود آغاز نمود (ابن‌کثیر، ۱۴۰۷ه.ق.: ۱۴۸/۱۲؛ بنداری، ۱۳۵۶: ۹۳) چنانچه راوندی اظهار می‌کند: «از بذل مال حمد آید و از بذل جاه بنده» (راوندی، ۱۳۶۳: ۱۴۰-۱)، مادر محمود با گشودن درهای خزانه به روی امیران و دادن مقام، مجال برداشتن اولین گام‌های سودجویانه آن‌ها را فراهم کرد. امیران و امیرسرمز با کسب مقام با ترک برکیارق، به محمود پیوستند. امیرکربوقا نیز با دریافت مقام در پی دستگیری برکیارق برآمد، اما با مرگ ناگهانی محمود، آن‌ها منافع خود را در دستگاه برکیارق یافتند. امیران با پیوستن به برکیارق، به اقطاع فارس و امارت عراق با ۱۰ میلیون دینار درآمد، رسید و با جسارت حتی در پی غصب مقام سلطنت نیز برآمد، اما جانش را در این راه گذاشت (نیشابوری، ۱۳۳۲: ۳۷؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ه.ق.: ۴۱/۱۰). این رویداد تجربه گران‌بازی را در تعیین محدوده عقلانیت امیران در هنگامه تصمیم‌گیری فراهم کرد که بدون پشت‌گرمی ملک‌ها، وارد منازعه با حکومت مرکزی نگردند و این قاعده تقریباً تا نزدیک به اواخر حکومت سلجوقیان پا بر جا ماند. اکنون، ملک محمد - رقیب و برادر سلطان برکیارق - وارد معرکه گردید. برکیارق، گنجه و توابع آن را به اقطاع او داد و قتلغ‌اینانج را به اتابکی او برگزید، اما ملک محمد با اندیشه غصب سلطنت با همراهی برخی امیران شورش نمود. اکنون این عقلانیت ابزاری امیران بود که انتخاب آن‌ها را در میانه جنگ‌ها تعیین می‌کرد. این انتخاب دو مفهوم کلیدی هزینه و فایده را در بر می‌گرفت. هزینه میزان منفعتی بود که آن‌ها با شورش از دست می‌دادند و دیگری فایده که به معنای افزایش نسبت منافع به هزینه‌ها بود.

۱.۱. تصمیم‌گیری جمعی

بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی تلاش کرده‌اند به بررسی رویکردهایی بپردازند که کاملاً عینی باشد. از جمله اهداف مناسب این مطالعات، قدرت و منافع است که تلاش برای کسب آن در جنگ‌های پنج‌گانه این دوره مشهود است. عقلانیت ابزاری با مدل بازی در علوم سیاسی کاربرد وسیعی دارد. نظریه «بازی» در حوزه عقلانیت «استراتژیک» قرار می‌گیرند و پیامد انتخاب هر فرد را وابسته به اختیار عاقلانه تصمیم‌گیرندگان دیگر می‌کند (لیتل: ۸۰-۸۱) مسابقه، منبعث از تصمیم‌گیری عقلانی در عرصه انتخاب و منطبق بر تئوری فایده است که دو یا چند گروه سعی می‌کنند، دریافتی خود را به حداکثر یا پرداختی خود را به حداقل برسانند (چلبی، ۱۳۸۱: ۳۸). کلید حل پازل تصمیم بهتر، تکرار بازی است (Axelrod, 1984).

قرار گرفتن ملک محمد در برابر سلطان برکیارق، صف‌آرایی امیرمقطعان را در این یا آن جبهه به همراه داشت. امیرغلامان که با نبود دلبستگی ریشه‌ای به حکومت، زیر بار جسارت خطرپذیری فردی نمی‌رفتند، به صورت جمعی وارد عمل شدند. امیران حامی محمد در برابر دریافت پاداش و یا اجبار به نفع او وارد عمل شدند. می‌توان عملکرد آن‌ها را به صورت ماتریس بازی و مسابقه نشان داد. آن‌ها برای به حداکثر رساندن شانس دستیابی به اهداف خود، باید ترجیحات جبهه مقابل را در نظر می‌گرفتند و به پیامدهای فوری و بلندمدت اقدامات خود توجه می‌کردند، اما گاه سودجویی، آن‌ها را به گروه‌های ناپایداری برای کسب قدرت تبدیل می‌کرد و با ایجاد اختلال در نتیجه جنگ و تداوم آن، موجب تشدید بحران می‌شد. وقایع‌نگاران، جنگ‌های پیشامدن را با سود سرجمع صفر، پیروزی یکی در برابر دیگری ارزیابی می‌کردند. گروه‌بندی امیران، نمودی از سودجویی خودخواهانه و حاصل جمع افعال سنجیده آن‌ها بود که براساس عقلانیت محاسبه می‌شد. استراتژی که امیران در پیش می‌گرفتند، معین می‌کرد که آنها باید در هر یک از مراحل و در برابر هر حرکت محتمل سلطان چه حرکتی را انجام دهند و فرض بر این بود که هر یک، امکان بررسی پیامدهای انتخاب‌های خود را داشت.

۱.۱.۱. بازی دو راهی

جنگ یک تعامل استراتژیک است که ریشه در نیت خصمانه دارد و اهداف آن، افزایش قدرت، امنیت و یا ثروت است. دو راهی زندان از انواع ساخت‌های کنش متقابل ساده است که در این راستا کاربرد دارد. گرچه برخی برآنند که این تئوری به دلیل فرض‌های محال و غریب در باب علم و قدرت محاسبه دیگران کاربرد مستقیم چندانی ندارد، اما این تئوری خواص شگفت‌انگیزی برای تحلیل دارد (لیتل: ۸۷). نتایج این مسابقه به دو صورت محاسبه می‌شود، مسابقه سر جمع صفر که در آن برد یک بازیگر درست برابر باخت دیگری است و سر جمع برد و باخت‌ها صفر خواهد بود (همان: ۸۰-۸۲) و مسابقه سرجمع ناصفر که مجموع برد و باخت‌ها صفر نیست و مثبت یا منفی است (دوئرتی، ۱۳۷۲: ۷۸۵). نتایج نهایی شورش امیران سلجوقی را می‌توان سرجمع صفر دانست، چرا که در نتیجه این غارتها، بحران‌ها و آسیب‌های شدید منابع انسانی و مادی، عملاً قلمرو سلجوقی رو به ویرانی رفت. در تئوری دو راهی زندان نقش هر یک از دو گروه سلطان برکیارق و ملک محمد را می‌توان به صورت دوگانه نشان داد. در هر یک از خانه‌های ماتریس، شماره‌های سمت چپ اولویت‌های انتخابی ملک محمد و امیران شورشی و شماره‌های سمت راست اولویت‌های انتخابی سلطان را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱): دو راهی زندان

امیران حامی سلطان			
امیران شورشی حامی محمد	تهاجم	تهاجم	
		مسالمت‌جویی	تهاجم
تهاجم	۱- و ۱-	۲ و ۲-	۱ و ۱
مسالمت‌جویی	۲- و ۲		

استراتژی غالبی که امیران شورشی برای کسب قدرت در پیش می‌گرفتند، تهاجم بود. مطلوب‌ترین انتخاب زمانی بود که آن‌ها بتوانند مقام سلطنت را مورد تعرض قرار دهند و ملک محمد را بر تخت بنشانند. در مقابل تهاجم، برکیارق می‌توانست اقدام به مقابله یا عقب‌نشینی نماید، به واقع در این ساخت، تهاجم هم ارزش تدافعی و هم تهاجمی داشت (همان). اگر سلطان از موضع

قدرت برخورد می‌کرد و این تهاجم را با تهاجم پاسخ می‌داد، چنانچه در مصاف اول و دوم میان محمد و برکیارق روی داد، به کلی، منافع و امنیت اقطاعات امیران را به خطر می‌انداخت و موجب صرف هزینه بسیار و ائتلاف منابع هر دو رقیب و ویرانی مملکت - با امتیاز (۱-۱) - می‌گردید و این همکاری امیران را در جنگ‌ها کاهش می‌داد.

گاهی تهاجم به سلطان، با وجود خزانه خالی و نبود امیران حامی، او را به مسالمت‌جویی و عقب‌نشینی می‌کشاند. گرچه سود گروه امیران به حداکثر و زیان ناشی از عکس‌العمل سلطان به حداقل امتیاز (۲-۲) می‌رسید، اما سلطان ترسو و بزدل خوانده می‌شد. چنانچه برکیارق پس از پیروزی در مصاف دوم، در حالی که سپاهیان اطراف او را خالی کرده بودند، مورد تهاجم محمد و سنجر قرار گرفت و ناگزیر عقب‌نشینی نمود (ابن اثیر، ۱۳۵۱: ۲۸۰/۱۷). با توجه به تحلیل بودون، فساد ساخت دو راهی زندان در این است که گروه مهاجم بتواند رقیب را به مسالمت‌جویی و مصالحه ناگزیر نمایند. به طور کلی بروز تهاجم یک جنبه و یا دو جنبه امری قابل پیش‌بینی بود، چرا که امیران خواهان غصب قدرت بودند و این امر جز با تهاجم میسر نمی‌شد. از طرفی اگر امیران شورش شکست سختی می‌خوردند، غالباً برای آنکه شانس خود را برای به دست آوردن مطلوب‌ترین وضعیت از دست ندهند، عقب‌نشینی می‌کردند و مترصد فرصت بعدی می‌ماندند، یا برای کم‌کردن زیان‌های محتمل و به ویژه از دست ندادن اقطاع و امکانات خود از در اطاعت از سلطان بیرون می‌آمدند.

در سومین مصاف در حالی که چهار هزار نفر از دو طرف شرکت داشتند، جنگی میانشان روی نداد. «خرابی راه یافته در شهرها و روستاها، ضرر و زیان گسترش یافته و ملامت و سستی»، کسب درآمد در اقطاعات و حکومت مرکزی را با بهره‌مندی ناچیزی همراه نموده بود، بنابراین هر دو طرف به دنبال استراتژی مصالحه و از بین بردن زیانهای احتمالی بیشتر برآمدند و امیران که بیش از همه سود خود را در حفظ اقطاع‌ها می‌دیدند حاضر نشدند، به نفع این یا آن جبهه وارد عمل شوند. در روز نبرد از هر صف یک نفر برای مصاف به میدان می‌آمد، اما بدون نبرد معانقه می‌کرد و باز می‌گشت. در این شرایط، کنشگران شورش برای حفظ منافع فعلی و ممانعت از زیان بیشتر، استراتژی توافق دوطرفه را با امتیاز (۱-۱) برگزیدند، با این قرار که برکیارق سلطان باشد و ملک محمد، اقطاعات آذربایجان، جنزه و توابع آن، دیاربکر، موصل و جزیره را دریافت کند. این توافق سالانه بیش از ۱/۳۱۵/۰۰۰ دینار، برای ملک محمد درآمد داشت و مهمتر اینکه پیمان صلح، قیمت‌ها را پایین آورد (ابن جوزی: ۶۲/۱۰-۶۳). بهبود نسبی وضعیت اقتصادی به نفع امیران بود، اما با خواست ملک محمد که به غصب سلطنت می‌اندیشید، مغایرت داشت، پس او، امیران صلح‌طلب را مجازات نمود (ابن اثیر: ۳۰۷/۱۷) و شتاب‌زده تهاجم دیگری را رهبری نمود، اما گروه رقیب با اتخاذ شیوه مقابله، این تهاجم را نیز به شکست منتهی نمودند. در ادامه، ملک محمد در مقابل تعقیب سلطان با امتیاز (۲) اقدام به عقب‌نشینی با امتیاز (۲-) نمود. با مجموع این شرایط در سال ۴۹۷ ق. در حالی که سلطان با تنگناهای مالی مقهور شده بود، با عقب‌نشینی در برابر امیران شورش، صلح نهایی را برقرار نمود. واگذاری ناگزیر شهرها و ولایات بیشتر به ملک محمد (ابن جوزی: ۶۵/۱۰؛ ذهبی، ۱۴۱۳.ق.: ۵۷/۳۴)، به ظاهر امیران شورش را نیز از این اقدامات منتفع نمود، در حالی که به واقع، این کسب پیروزی برای هیچ یک از دو طرف جنگ نبود.

۲.۱. تصمیم‌گیری فردی

یکی از عوامل مهم تداوم جنگ‌های محمد و برکیارق در توالی زمان، تاثیر تصمیم‌گیری‌های فردی و خودخواهانه امیران بود که به استراتژی جنگ و ماتریس بازی آسیب می‌زد. در مدل تصمیم‌گیری فردی، افراد، اقل‌شروطی را که برای رسیدن به غایت خود

مدنظر دارند، معین می‌کنند و نخستین راه‌حلی را که آن شروط را تامین می‌کند، برمی‌گزینند. مزیت در این است که دیگر برای جستجوی بهینه‌ترین راه، نیاز به صرف هزینه بسیار ندارند (لیتل: ۷۹). نظریه‌ای که عقلانیت را با حداکثرسازی مطلوبیت یکی کند نه تنها اشتباه بلکه مضر است و ارزش‌های هنجاری را کنار می‌زند. البته در میانه جنگ‌های پنج‌گانه، گاه رفتارهای هنجاری از امیران دیده می‌شود، اما عموماً به سرعت به نفع سودجویی‌های فردی و عقلانیت ابزاری مصادره می‌گردد. تصمیم‌گیری‌های فردی امیران بر اساس عقلانیت ابزاری را می‌توان در دو وجه بررسی نمود. یک وجه با مصادره عقلانیت ارزشی به نفع عقلانیت ابزاری و با زیر پا گذاشتن ارزشهایی چون وفاداری به حکومت، انتقام‌جویی و کسب پرستیژ حاصل می‌شود. وجه دیگر با حسابگری امیران برای حفظ یا کسب فایده بیشتر با ترس از مکافات، طمع دریافت پاداش و یا محدودیتهای مکانی به دست می‌آید.

۱.۲.۱. زیر پا گذاشتن عقلانیت ارزشی

عقلانیت ارزشی، ارزش‌هایی چون جان‌فشانی، وفاداری به ولی‌نعمت و... را شامل می‌شود، اما گاه در توصیف برخی پیچیدگی‌های رفتار انسان ناتوان است. در طول تاریخ همیشه حاکمان حتی عادلانه‌ترین قوانین عرفی و هنجارهای اجتماعی را به نفع منافع خود زیر پا می‌گذاشتند و اسناد تاریخی دوره سلجوقی، ماهیت هنجارگریز بازیگران را در میانه جنگ‌ها به نمایش می‌گذارند.

۱.۱.۲.۱. عدم وفاداری به حکومت

پای‌بندی افراد حکومت می‌تواند تابعی از ظرفیت کنترل آن‌ها بود. هرچه هزینه جدایی از یک ساختار، گزاف باشد، افراد بقای خود را در پایبندی بیشتر به آن می‌یابند و اگر این هزینه کاهش یابد، پای‌بندی کمتر می‌شود (Hechter, 1989: 68). وفاداری به حکومت مهمترین هنجار ارزشی بود که در وجود امیران سلجوقی، نهادینه نشد. با مرگ خواجه و روی کار آمدن وزیران ناکارآمد، هزینه پشت پا زدن به حکومت کاهش یافت و مجال زیر پا نهادن تعهدات به دست امیران فراهم شد به ندرت امیرانی را می‌توان یافت که از این قاعده مستثنی بودند؛ چنان‌چه موسی‌ترکمن حاکم حصن‌کیفا^۱ در مقابل پیشنهاد سنقرچه حاکم آذربایجان برای تقسیم حکومت میان خود، ضمن اظهار وفاداری به سلطان، مناصب و جایگاه‌ها را از آن او دانست و جان خود را طعمه شمشیر سنقرچه نمود (ابن‌اثیر: ۳۱۶/۱۷)، اسپهبد صباوه و سرخاب حاکم آوه که در ابتدا در زمره امیران شورشی قرار گرفته بود، به زودی به جانب سلطان بازگشتند (همان: ۲۷۲-۳ و ۲۶۸-۹). ایاز نیز چنین مسیری را پیمود، اما تغییر جهت دوباره و گاه چند بار امیران با تغییر شرایط و به نفع ملک شورشی، پوچ بودن پای‌بندی هنجاری غالب آن‌ها را نشان می‌دهد. گرچه برخی در میانه راه، دوباره به سوی سلطان آمدند، اما اطلاعات منابع نشان می‌دهد که این هم در ارزیابی حساب‌گرا نه آن‌ها برای حفظ جان و اقطاع و یا کسب مقام بود.

۲.۱.۲.۱. روی‌گردانی از هنجار انتقام‌جویی

در جوامع سنتی، حفظ نام و آبرو برای افراد، ارزش فراوانی داشت. در این جوامع، کین‌خواهی و انتقام‌جویی - به ویژه در باب قتل پدر یا ولی‌نعمت - یک حرکت هنجاری و مایه حفظ آبرو بود و فرد خود را ملزم می‌دانست، از زیر بار این ننگ خارج شود. در

۱. شهری باستانی بر قراز صخره‌های رود دجله که اکنون در جنوب شرقی ترکیه قرار دارد.

منابع دوره سلجوقی در دیوان انوری، چنین هنجارهایی تقدیر شده است.^۲ نمونه‌هایی از چنین رفتارهایی در اثنای جنگ‌های پنج‌گانه دیده می‌شود، اما بررسی‌های بیشتر در باب عملکرد بعدی امیران، نقض این ارزش هنجاری و پررنگ شدن وجهه سودجویی آن‌ها را به نمایش می‌گذارد. پسران برسق به دلیل قتل پدرشان به دست مجدالملک، وزیر برکیارق در زمره امیران شورشی قرار گرفتند (همان: ۱۴۵). ایاز نیز با قتل پدرخوانده‌اش امیر آخر از محمد روی گرداند و به جانب سلطان رفت (نیشابوری: ۳۹؛ ابن جوزی: ۵۴/۱۰). اما به زودی تغییر موضع چندباره - چنان‌چه در جدول شماره ۲ مشهود است - به نفع سلطان یا ملک شورشی یافتند. اگر این کین‌خواهی امیران تداوم داشت، چه بسا می‌شد، آن را پای‌بندی به نوعی هنجار عرفی دانست، اما بازگشت آن‌ها به موضع پیشین، نشان از حفظ مصالح و توجه به عقلانیت ابزاری دارد.

۱.۲.۱. رویگردانی از هنجار کسب پرستیژ

مان برآن است، اگر سود اقتصادی را تنها انگیزه حاکمان بدانیم، انتظار می‌رود جنگ‌های کمتری رخ دهد و کسب شرافت و فرو شکوه که موجب رضایت حاکم است، بر کسب منافع و سود اقتصادی که فقط برای زمان فعل است، برتری یابد (Mann: 2013)، اما عملکرد امیران سلجوقی نشان می‌دهد که آن‌ها بیش از هر چیز به منافع جنگ می‌اندیشیدند و با برآورد فایده نسبت به هزینه‌های جنگ به احتمال شکست یا پیروزی و کسب مقام و شکوه توجه داشتند. به واقع آن‌ها کسب فر و شکوه را در جهت جاه‌طلبی‌ها و کسب قدرت بیشتر می‌خواستند که یکی از مصداق‌های عقلانیت ابزاری بود، افزون بر آنکه گاه احساساتی مانند کینه، نفرت و جاه‌طلبی که نقش عمده‌ای را در تشدید جنگ بازی می‌کرد، می‌توانست بر انگیزه‌های آن‌ها سایه افکند.

۱.۲.۲. عقلانیت ابزاری

در میانه جنگ‌های جانشینی ملک محمد و سلطان برکیارق، عواملی چون ترس از مجازات و استرداد اقطاع، دریافت پاداش و کسب اقطاع جدید و یا قرار گرفتن اقطاع امیران بازیگر جنگ در محدوده حکومت هر یک از رهبران دو جبهه، که هر کدام وجهه بارزی از عقلانیت ابزاری است بر محاسبات امیران و نحوه تصمیم‌گیری آن‌ها تاثیر مستقیم داشت.

۱.۲.۲.۱. کيفر دهی و ترس از مكافات

وفاداری به ساختار با ظرفیت کنترل آن ارتباط دارد که آن هم می‌تواند تابعی از قدرت نظارت و کيفر دهی (Turner, 1998: 306) باشد. به واقع کيفر دهی بدون نظارت فایده بخش نیست. حکومت سلجوقی برای کنترل امیران با داشتن توانایی کيفر دهی، باید به منابع کافی برای مجازات آن‌ها نیز دسترسی داشت. حداکثر این کيفر می‌توانست اخراج از سلسله مراتب قدرت باشد، اما گاه کيفرها ملایم‌تر بود. قتل مجدالملک، وزیر برکیارق، امیران خاخی را از ترس مکافات و برای حفظ منافع راهی اردوگاه ملک محمد نمود (بنداری: ۹۸-۹۹؛ نیشابوری، ۳۷-۸). درخواست مالیات عقب‌افتاده شهر حله از صدقه نیز او را از بیم مکافات سلطان و از دست دادن اقطاع و اموالش، در جبهه ملک محمد قرار داد (ابن جوزی: ۵۵/۱۰؛ ابن اثیر: ۲۸۲/۱۷). در دور سوم جنگ‌ها، ملک محمد عاملین صلح با برکیارق، «امیر بسمل را بسمل کرد» و آیتکین را کور کرد (حسینی، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۲؛ مستوفی، ۱۳۶۴: ۴۴۳)، این کيفر تأثیر وهم برانگیزی بر دیگر امیران و حساب‌گری‌های آن‌ها برای حفظ جان و مال داشت و با توجه به اطلاعات موجود در منابع، تقریباً هیچ امیر حامی محمد بعد از آن، پشت او را خالی نکرد.

۲. «باز خواهد ز غزان کینه که واجب باشد خواستن کین پدر بر پسر خوب سیر»

۱.۲.۲.۲. پاداش دهی و کسب منفعت

در نظریه انتخاب عقلانی بر کنش‌گری تاکید می‌شود که قادر است، آگاهانه و مطابق با منافع خود دست به انتخاب بزند (Collins: 352)، فهم رفتار برخی امیران با در نظر گرفتن آن‌ها به عنوان تصمیم‌گیرندگان عقلانی امکان‌پذیر می‌گردد. امیران با توجه به کنش‌های بالقوه، عملی را برمی‌گزیدند که بهترین پیامد را برای آن‌ها داشته باشد. هر چه وابستگی افراد به ساختار بیشتر باشد، پیروی از آن با وجود پاداش کمتر، بیشتر می‌شود و هزینه پرداختی برای وفاداری بالاتر می‌رود (Wallace & Wolf: 342) اما افراد با دارا بودن عقلانیت ابزاری به تاثیر باورها، هنجارها و ارزش‌ها در تصمیم‌گیری‌های خویش توجهی ندارند (تسلیمی، ۱۳۸۷: ۸۵). ارتباط میان غالب امیران و حکومت مرکزی تنها در لایه‌های آشکار حکومت بود و آن‌ها در نهان به کسب قدرت می‌اندیشیدند. غالب امیران، حسابگران تنگ‌نظری بودند که سودجویی را سرلوحهٔ منازعات خود با سلطان برکیارق قرار داده بودند و با پیوستن به شورشیان به دنبال دست‌یابی به نیت خویش بودند.

امیران سلجوقی در جنگ‌های میان برکیارق و محمد، خود را تکیه‌گاه نامطمئن نشان دادند که موضع ثابتی نسبت به سلطان یا ملک محمد نداشتند و با تغییر مداوم از یک جبهه به دیگری، در پی اغراض خویش بودند. غالب امیران زمانی منافع خود را نزد برکیارق می‌یافتند و به او می‌پیوستند و آنگاه که محمد آن‌ها را از عطایای بهتری بهره‌مند می‌ساخت، با او همراه می‌شدند. از جمله این امیران، چنان‌چه در جدول شماره (۲) دیده می‌شود، می‌توان از ینال، صدقه، جگرمش، کربوقا، گوهرآیین و سرخاب نام برد. منفعت‌طلبی می‌توانست با دریافت اقطاع و اموال معنا شود.

کسب اموال و اقطاع؛ از مهمترین علل فرمان‌پذیری یا سرپیچی امیران بود. پیش از آغاز این جنگ‌ها، جگرمش حاکم جزیره، کربوقا حاکم موصل، ایلغازی مقطع حلوان و سرخاب حاکم آوه با ملک محمد همراه شدند، چرا که در پی تثبیت موقعیت خود در دستگاه سلطنت احتمالی او و دستیابی به مقام و منصبی بالاتر از دستگاه برکیارق بودند، اما به زودی منفعت خود را در همراهی سلطان دیدند، چرا که سلطان را در انتفاع مادی خود تواناتر یافتند (ابن‌اثیر: ۲۶۷/۱۷)، بنابراین کربوقا به گوهرآیین چنین توصیه کرد: «از محمد و مویدالملک به چیزی ظفریاب نمی‌شویم». گوهرآیین، فرصت طلبانه با پیوستن به سلطان سلاح و چارپایان و تمام اموال از دست رفته خود را پس گرفت، اما به سرعت با چرخش به جانب محمد، به نام او خطبه خواند (همان: ۲۶۸).

گاه اطاعت‌پذیری افراد صرفاً تا زمانی است که پاداش دریافت می‌کنند (Wallace & Wolf: 341) و رفتار قاعده‌پذیر آن‌ها ممکن است پیوند جدی با پاداشی داشته باشد که به شکل نقدی در زمان حال یا امید به ارتقا در زمان آینده داده می‌شود. اگر پاداشی داده نشود و یا احتمال دریافت بهتری باشد، ممکن است دست از انجام وظیفه بکشند (ibid: 340-41). چنانچه عقلانیت ینال، امیر سرلشکر برکیارق در چندین مصاف، او را بر آن داشت تا با حمایت از ملک محمد در مصاف چهارم به دنبال کسب مقام و مال بیشتر باشد. گویا سودی که با حمایت از ملک محمد ممکن بود، عایدش گردد، از هزینهٔ خروج او از میان حامیان سلطان بیشتر بود. البته گاه پیامد عقلانی مورد انتظار امیران، نقش بر آب می‌شد؛ چرا که جابه‌جایی چندباره موضع سیاسی، آن‌ها را غیر قابل اعتماد می‌کرد بنابراین پیوستن ینال به ملک محمد، حاصلی برای او نداشت و دسترسی به حکومت ری را که می‌توانست سود حاصل از این خوش‌خدمتی باشد، از کفش بیرون کرد (ابن جوزی: ۶۸/۱۰؛ ابن‌اثیر: ۳۰۶/۱۷).

غارث برای تامین مخارج، واژه‌ای آشنا و پرکاربرد در میانه منازعات این دوره است که اوج پشت بازدن به هنجارها و روی کردن به عملکردهای حسابگرانه بود. ینال که بارها شهرهایی چون اصفهان، بغداد، واسط و... را برای برکیارق غارت کرده بود (بنداری:

۸۱؛ ابن جوزی: ۴۳/۱۰). پس از جدایی از سلطان در جهت منافع شخصی خود، اقدام به چپاول شهرهایی چون ری نمود. گزارش‌های متعددی از غارت ایلغازی، سقمان و صدقه نیز در بغداد و شهرهای اطراف آن چون دجیل، اوانا و ... دیده می‌شود (ابن‌کثیر: ۱۶۰/۱۲؛ ذهبی: ۵۴/۳۴؛ ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۶۰۷/۳؛ ابن‌اثیر: ۳۲۸/۱۷-۳۰). صدقه، با غارت واسط و بیرون‌راندن نماینده برکیارق، برای پر کردن خزانه خویش، این شهر را به صاحب بطیحه به پنجاه هزار دینار به ضمان داد (همان: ۳۵۰-۵۱)؛ در حالی که واسط پیش از این در دوره طغرل، آلب‌ارسلان و ملک‌شاه به دویست هزار دینار به ضمان داده می‌شد.

۱.۲.۲.۳. تاثیر محدوده جغرافیایی حکومت امیران بر عقلانیت ابزاری آن‌ها

در تعهدات امیران نسبت به حکومت باید موقعیت جغرافیایی و دوری و نزدیکی به پایتخت را نیز لحاظ کرد. عقلانیت امیران هر منطقه چنین اقتضا می‌کرد که به دلیل ضرورت‌های امنیتی، حفظ بقا و موقعیت اقطاع خود و کسب منافع آنی و بیشتر، از شخصی حمایت کنند که به لحاظ جغرافیایی در محدوده قدرت‌نمایی او قرار دارند. رویارویی محمد و برکیارق، به صورت تقابل میان امیران مرکز حکومت از یک سو و امیران غرب و شمال‌غربی قلمرو سلجوقی در دیگر سو دیده می‌شد، مرکز حکومت غالب امیرانی که از سلطان حمایت می‌کردند، به جز کربوقا و صدقه- که او نیز بعداً به محمد پیوست- در نزدیکی پایتخت بود. مرکز حکومت و اقطاع غالب امیرانی که از محمد حمایت می‌کردند، در نزدیکی مرکز حکومت او در آذربایجان و اران قرار داشت. چنانچه در جنگ پنجم، حضور مودود، حاکم آذربایجان، سکمان‌قطبی حاکم اخلاط، یاغی‌بسان حاکم انطاکیه و امیرعلی حاکم ارزن‌الروم که مرکز حکومت آن‌ها در مجاورت محمد بود، در جبهه او مشهود است (همان: ۳۳۴-۵).

دیگر نمونه قابل تامل، عملکرد امیرایلغازی حاکم حلوان است که با نزدیکی محل حکومت خود به محمد، در همان دور اول جنگ‌ها از برکیارق روی برتافت و به پاداش همراهی با محمد به منصب شحنگی بغداد دست یافت، اما در پایان جنگ‌های پنج‌گانه با تثبیت سلطنت برکیارق، با وجود مخالفت سرسختانه صدقه، بلافاصله خطبه را به نام برکیارق گرداند و اظهار کرد که «اقطاع او در حلوان و دیگر شهرها در جمله بلاد سلطان است و بغداد از آن او [سلطان] است، پس چاره‌ای جز اطاعت از سلطان ندارد» (همان: ۳۴۵-۶؛ ابن جوزی: ۶۷/۱۰).

جدول ش (۲) جنگ‌های پنج‌گانه

ردیف	امیران حامی سلطان	انتقام جویی	منفعت طلبی	ترس از مکافات	محدوده حکومت	امیران حامی ملک جویی	انتقام جویی	منفعت طلبی	ترس از مکافات	محدوده حکومت	نتیجه جنگ
جنگ اول سال ۴۹۲	ینال					کا گوهرآیین					پیروزی لشکر محمد
	کربوقالا					کا فرزندان برسق *					
	جگرمشلا					کا آقپوری					
	سرخ‌اب‌بن بدرلا					کا سرمز					
	صدقه					کا آخر					
	ترکمنان شهر زور					ایاز					
						طغایرک					
						ایلغازی					

پروزی برکیارق					صباوه							
											ایاز لا	
											فرزندان	
											برسقی لا	
											سرخاب	
											کربوقا	
											صدقه	
					کا ایاز							
					فرزندان برسقی							
					کا مودود							
مصالحه					ایلغازی						ایاز لا	
					کا صدقه						فرزندان	
					بلدجی						برسقی لا	
											سرخاب	
پروزی برکیارق					ینال						ایاز	
											پسران برسقی	
											سرخاب	
											ترشک	
مصالحه					ینال						ایاز	
					ایلغازی						پسران برسقی	
					صدقه						صباوه لا	
					غزغلی						موسی	
					سکمان قطبی						ترکمن	
					ابن یاغی بسان							
					قزل ارسلان							
					امیرعلی حاکم ارزنه لروم							

دراین جدول از علامت پیکان برای نشان دادن تغییر موضع امیران به نفع برکیارق (لا) یا ملک محمد (کا) در ضمن جنگ استفاده شده است و علل این تصمیم عقلانی و تغییر موضع به نفع سلطان یا ملک شورشی با علامت () در مقابل آن نشان داده شده است.

جدول ش (۳) جمع بندی

علل انتخاب عقلانی امیران (بر حسب آمار منابع)	انتقام جویی	منفعت طلبی	ترس از مکافات	تأثیر محدوده جغرافیایی حکومت
تعدادنسبی جابه‌جایی موضع امیران	۳	۱۲	۶	۵

گاهی تغییر موضع امیران ممکن بود چندین علت را شامل گردد، اما تلاش شده است مهمترین و موثرترین دلیل در نظر گرفته شود.

در جمع‌بندی که از رفتار سیاسی فرد به فرد امیران سلجوقی به دست می‌آید، به وضوح می‌توان دید که بیشینه‌طلبی و منفعت‌جویی مهمترین صورت از عقلانیتی است که در تصمیم‌گیری‌های آن‌ها موثر بود.

۲. مطالعه موردی عملکرد یکی از منفعت‌طلب‌ترین امیران سلجوقی

نفع‌طلبی ایاز در تغییر موضع چندباره او مثال‌زدنی و اوج عقلانیت ابزاری اوست که مسیر پیچیده‌ای از تصمیم‌گیری‌های خویش طی نمود. ایاز بعد از قتل پدرخوانده‌اش امیر آخر به دست محمد یا می‌توانست در مقابل او بایستد و یا از دسته حامیان او خارج شود. انتخاب او بستگی به ارزش نسبی اتخاذ هر کدام از این خط‌مشی‌ها داشت. هزینه اعتراض می‌توانست به قیمت جان‌ش تمام شود، پس، ترجیح او جدایی از ملک محمد بود که دامنه قدرت محدودتری نسبت به سلطان داشت. دریافت پاداش بزرگی چون اقطاع همدان در معامله همراهی با سلطان، این تصور قریب به واقعیت را در ذهن او شکل داد که انتخاب او عقلانی بوده است، اما به زودی با تهدید سلطان و ترس از دست دادن اقطاعش - همدان - به تأمل و بازاندیشی پیامد عمل خود پرداخت و حاصل انتخاب عقلانی خود را کوتاه‌مدت یافت، چرا که نتوانسته بود اهداف منفعت‌طلبانه درازمدت او را تأمین کند. چنین انگیزه‌ای مشوق همکاری مجدد او با ملک محمد شد، اما محمد او را نپذیرفت و خانه، اموال و چارپایان او، از جمله ۵۰۰ رأس اسب هر یک به قیمت ۳۰۰ تا ۵۰۰ دینار را غارت کرد و هواخواهان او چون رئیس همدان را ۱۰۰ هزار دینار مصادره نمود (ابن اثیر: ۳۰۵/۱۷). بازگشت اجباری و دوباره او به سوی سلطان نیز به قیمت استرداد اقطاعش، همدان به دست سلطان تمام شد. چندین بار تغییر موضع و تکرار شرایط، او را به دستیابی به این پیامد عقلانی با احتمال تواتر نسبی سوق داد که دیگر گریزی جز باقی ماندن در موضع سلطان ندارد. او به زودی در مصاف پنجم دوباره با رسیدن به منصب سرلشکری سپاه برکیارق و حتی مقام اتابکی فرزندش ملک‌شاه به حداکثر منفعت طلبی رسید (ابن‌خلدون: ۶۰۵/۳؛ تاریخ آل‌سلجوق در آناتولی، ۱۳۷۷: ۶۳؛ ابن‌عبری، ۱۳۷۷: ۴۶۰؛ خواندمیر، ۱۳۳۳: ۵۰۳/۲).

۳. نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی عملکرد و رفتار امیران سلجوقی در تداوم بحران جانشینی میان برکیارق و محمد پرداخته است. با مرگ ملک‌شاه و ایجاد پریشانی در سلسله مراتب قدرت، جهت و نقش امیران سلجوقی به عنوان مقطع‌ان مطیع تغییر کرد و آن‌ها به محاسبه‌گرانی بدل شدند که سودجویی را سرلوحه انتخاب‌های خود قرار دادند. گرچه پل زدن میان ارزش‌های هنجاری و ابزاری، لازمه بررسی کنش‌های اجتماعی و جنبش‌ها است، اما جنگ و غارت عمده‌تاً حرکتی بود که می‌توانست با فرصت‌طلبی بی‌پایان فاعلان، ارزش‌ها را قربانی بیشینه‌طلبی آن‌ها نماید. البته اسناد تاریخی نیز با برجسته کردن رفتار امیران در طول جنگ بر عقلانیت ابزاری آن‌ها صحه گذاشته است. عدم پابندی قومی و هویتی غالب امیران، زمینه پشت‌پازدن به مهمترین هنجار سیاسی را با ترک حمایت از سلطنت فراهم نمود و آن‌ها را به شرکت در رویارویی دو برادر و ایجاد بحران‌های طولانی و چند مرحله‌ای سوق داد. پیش از ملک‌شاه، جریان شورش ملک‌ها غالباً مسیر کوتاهی را طی می‌کرد و با سرانجامی چون عفو یا مجازات خاتمه می‌یافت. انتظار می‌رفت جنگ دو برادر نیز به زودی با نتیجه سرجمع صفر، پیروزی یکی با شکست دیگری به نتیجه برسد، اما غالب امیران با

قدرت‌گیری و جا به جایی موضع سیاسی خویش از جبهه یک قدرت به دیگری، استراژی‌های جنگ را باطل و نتایج آن را ناتمام می‌گذاشتند و تداوم این بحران‌ها را به صورت جنگ‌های پنج‌گانه رقم زدند. علت را باید در خواخواهی‌های سودجویانه امیران جستجو کرد. اغراق است، تصور کنیم بازیگران دوره میانه، امکان حسابگری نداشتند. به واقع دریافت پاداش و اقطاع و یا ترس از مکافات و از دست دادن اموال، فقدان مجال قدرت‌طلبی و یا تثبیت موقعیت خود در دستگاه احتمالی سلطنت، عواملی بودند که عقلانیت آن‌ها را در خدمت تصمیم‌گیری‌های فردی قرار می‌داد و آن‌ها با در نظر گرفتن اقل شروط در پی راه‌حلی بهینه برای کسب سود اقتصادی برمی‌آمدند. تحلیل‌گران انتخاب عقلانی و ماتریالیست‌ها، جنگ را برای دستیابی به امنیت، ثروت و قدرت عقلانی می‌شمردند، اما این جنگ‌ها از زاویه پیامدهای آن با غارت‌ها، ویرانی شهرها و روستاها و نابودی منابع مادی و انسانی، غیرمنطقی ارزیابی می‌شوند.

۴. منابع

- ابن اثیر، عزالدین (۱۳۵۱). «تاریخ کامل»، ترجمه علی هاشمی، ج ۱۷، تهران: شرکت چاپ و انتشارات کتب ایران.
- ابن جوزی، ابوالفرج (۱۴۱۲). «المنتظم»، محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر، ج ۱۰، بیروت: دارالکتب العالمیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳). «تاریخ ابن خلدون»، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۳، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن کثیر، ابوالفداء (۱۴۰۷/۱۹۸۶). «البدایه والنهایه»، ج ۱۲، بیروت: دارالفکر.
- بنداری اصفهانی (۱۳۵۶). زبده النصرة و نخبة العصر، ترجمه محمد حسین جلیلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- بودون، ریموند (۱۳۸۳). «منطق کنش اجتماعی»، عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- «تاریخ آل سلجوق در آناتولی» (۱۳۷۷). مصحح نادره جلالی، تهران: میراث مکتوب.
- تسلیمی، محمد (۱۳۸۷). «تحلیل فرآیندی خط مشی گذاری و تصمیم‌گیری»، تهران: سمت.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۱). «فضای کنش: ابزارتنظیمی در نظریه‌سازی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، ش ۱.
- جوادی‌یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷). «رویکرد جامعه‌شناسانه نظریه انتخاب عقلانی»، راهبرد فرهنگ، دوره یکم، ش ۳.
- حسینی، صدرالدین (۱۳۸۰). «زبده التواریخ»، ترجمه رمضان علی روح‌اللهی، تهران: انتشارات ایل شاهسون.
- خواندمیر، غیاث‌الدین محمد (۱۳۳۳). «حبیب‌السیر»، ج ۲، تهران: کتاب‌فروشی خیام.
- دوئرتی، جیمز (۱۳۷۲). «نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل»، علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
- ذهبی (۱۹۹۳/م ۱۴۱۳). «تاریخ اسلام»، تحقیق عمرعبد السلام تدمری، ج ۳۴، بیروت: دارالکتب العربی.
- راوندی، محمد بن علی (۱۳۶۳). «راحة الصدور آیه السرور»، تصحیح محمد اقبال، تهران: انتشارات علمی.
- کرایب، یان (۱۳۷۸). «نظریه‌های اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس»، عباس مخبر، تهران: نشرنی.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). «بنیادهای نظریه اجتماعی»، منوچهر صبوری کاشانی، تهران: نشرنی.
- گرث و میلز، هانس و رابرت (۱۳۸۰). «منش فرد و ساختار اجتماعی (روان‌شناسی نهادهای اجتماعی)»، اکبرافسری، تهران: آگاه.

- گیدنز، آتونی (۱۳۷۹). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لیتل، دانیل (۱۳۷۳). «تبیین در علوم اجتماعی»، عبدالکریم سروش، تهران: صراط.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۶۴). «تاریخ گزیده»، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نظام‌الملک، حسن بن علی (۱۳۷۱). «سیاستنامه»، به کوشش جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نیشابوری، ظهیرالدین (۱۳۳۲). «سلجوقنامه»، تهران: نشریه کلاله خاور.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴). «اقتصاد و جامعه»، عباس منوچهری، مهرداد ترابی نژاد و مصطفی عماد زاده، تهران: مولی.
- Abel, Adam & Jessica Kuper (2003): *The Social Sciences Encyclopedia*, London and New York: Routledge.
- Axelrod, Robert (1984), *The Evolution of Cooperation*, New York, Basic Books.
- Boudon, Raymond (1981), *The Logic of Social Action*, Routledge Kegan & Paul.
- Collins, Randall (1997): *"Theoretical Sociology"*, New Dehli: Rawat Publication.
- Friedman, M. (1953); *"Essays in Positive Economics"*, Chicago: University of Chicago Press.
- Hechter, Micheil (1989). *"Rational Choice Foundation OF Social Order"*, In Turner, Jonathan. U.S.A.: Sage Publication.
- Mann, Michael (1986, 1993, 2012, 2013), *"The Sources of Social Power"*, in four volumes: Cambridge.
- Sen, Amartia (1980). *"Choice, Welfare and Measurement"*, Cambridge Mass: Mit Press.
- Scott, J; (2000), *"Rational Choice Theory in Browning"*, in G.; Halcli, A.; and Webster, F. (eds.); *Understanding Contemporary Society: Theories of the Present*, Sage Publications.
- Gungor, Sezen & Tomris Kucun, Nihan (2019), *"Social Sciences, Rationality Criterion in the Making Theories and the game Theory"*, Management and Economics Journal, Vol. 1, Iss. 1.
- Turner, Jonthan (1998). *"The Structure of Sociological Theory"*, U.S.A: Wadsworth Publishment.
- Turocy, T. L. & Stengel, B. von. (2001). *"Game Theory. Computational, Discrete and Applicable Mathematics"*, Research Report LSE-CDAM.
- Uçan, O. & Aytakin, (2013). *"Oyun Teorisi Çerçevesinde Ekonominin Dinamik Oyun nnnennerine nn nnnnmnsn"*, The Journal of Academic Social Science Studies, International, Journal of Social Science, (6-3).
- Wallace. Routh & Wolf, Alison (1999). *"Contemporary Sociological Theory: Expanding the Classical Tradition"*, U.S.A.: Prentic Hall.